



بازی آفرینی در دل روشنای تاریکی

داوود خلیل آبادگان، مرد نابینایی که عمرش را صرف خدمت به روشندان کرده است. او در تاریکی مطلق نوری ساخته تا زندگی همتایانش رنگ و بوی روشنی بگیرد. داود در کنار همسر و پسر بیست ساله‌اش، در آغوش گرمای خانواده‌ای صبور و همراه، با تکیه بر ذهن خلاق و آرامشی درونی، روزگار را نه با تماشای چشم که با تماشای قلبش سپری می‌کند. او طرح‌های خود در خصوص ساخت بازی‌های فکری مانند منچ را به عنوان طرحی صنعتی به مالکیت خود ثبت کرده و سپس به مرحله تولید رسانده است. طراحی این بازی‌ها به نحوی است که یک فرد نابینا می‌تواند به راحتی با یک فرد بینا بازی کند. خلیل آبادگان علاوه بر بازی‌های کامپیوتری، در حوزه نوشت افزار نیز خلاقیت به خرج داده و دفترچه مخصوص نابینایان و برچسب‌های ضد آب تولید کرده است؛ برچسب‌هایی که به افراد نابینا کمک می‌کند به سادگی به مواد اولیه‌ای که در جین آشپزی استفاده می‌کنند دسترسی داشته باشند. قصه زندگی داوود خلیل آبادگان، طراح بازی‌های فکری ویژه نابینایان، معجونی است از اراده، عشق، ابتکار و امیدی بی‌پایان.

